

**The relationship between parental child rearing  
and adolescent coping with stress methods**

REZA JAVADIAN,<sup>1</sup>NARGES AKBARI,<sup>2</sup>  
MARYAM BEHZADMANESH<sup>3</sup>

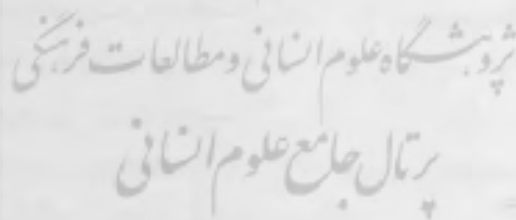
**Abstract**

**Aim:** The purpose of this study was to see the relationship between parental child rearing and adolescent coping with stress methods.

**Method:** For, 67 (33 males, 34 females) subjects of Shiraz university were selected randomly. The data were collected through two questionnaires (parental child rearing and coping with stress checklist). The data analysis was done by T test, correlation, and multiple regressions.

**Results:** the results revealed that there was the relationship between parental child rearing and adolescent coping with stress methods. Also, we found that males more than females used the coping with stress methods based on emotions.

**Keywords:** Child rearing, Stress, Interaction, Students.



1- Faculty member, Islamic Azad University Khomeinishahr Branch Isfahan welfare organization

Email: javadian@iaukhsh.ac.ir

2 - social worker, Social Welfa and Rehabilitation ORG

3 - Faculty member, Islamic Azad University Khomeinishahr

### رابطه بین شیوه‌های فرزندپروری

والدین و راهبردهای مقابله با استرس فرزندان

سیدرضا جوادیان<sup>۱</sup> نرگس اکبری<sup>۲</sup> سیده مریم بهزادمنش<sup>۳</sup>

### چکیده

هدف: هدف کلی این پژوهش بررسی رابطه بین شیوه‌های فرزندپروری والدین و شیوه‌های مقابله با استرس فرزندان و همچنین مقایسه شیوه‌های مقابله با استرس فرزندان دختر با پسر می‌باشد.

روش: برای این منظور تعداد ۶۷ نفر (۳۳ پسر و ۳۴ دختر) از دانشجویان دانشکده‌های دانشگاه شیراز به طور تصادفی به عنوان نمونه آماری در نظر گرفته شدند. ابزار مورد استفاده، مقیاس شیوه‌های فرزند پروری و چک لیست مهارت‌های مقابله با استرس کارور و همکاران بود. داده‌های پژوهش با استفاده از روش‌های آماری ضریب همبستگی، تحلیل رگرسیون چند متغیره گام به گام و آزمون تی برای گروه‌های مستقل، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

نتایج: نتایج نشان داد بین شیوه‌های فرزند پروری والدین که شامل سبک‌های آزادی، سختگیری، گرمی و سردی است با شیوه‌هایی که فرزندان برای مقابله با استرس به کار می‌گیرند ارتباط معناداری وجود داشت. همچنین پسران بیشتر از دختران از راهبردهای مقابله‌ای غیر مفید و متمرکز بر عواطف استفاده می‌کردند. واژگان کلیدی: فرزندپروری، استرس، مقابله، دانشجویان.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

۱ عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خمینی شهر (نویسنده مسئول).

Email: javadian@iaukhsh.ac.ir

۲ کارشناس مددکاری اجتماعی سازمان بهزیستی استان اصفهان

Email: mbr204@yahoo.com

۳ عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خمینی شهر

رفتارهای مقابله‌ای، ناظر بر نوعی از فعالیت‌های انسان است که جهت ارزیابی موقعیت استرس‌زا و ارائه واکنش در برابر آنها مورد استفاده قرار می‌گیرد و این واکنش‌ها می‌توانند بعد شناختی، عاطفی و عملی داشته باشند، لیکن لازمه مواجهه با فشارهای زندگی این است که فرد بتواند موقعیت را به درستی ارزیابی کند و تمام نیروهای خویش را در جهت تعدیل فشارهای وارده به کار گیرد (کوباسا، Kobassa و دیگران ۱۹۸۲).

لازاروس Lazarus و فولکمن Folkman (۱۹۸۴) دو نوع کلی شیوه‌های مقابله یعنی شیوه‌های مقابله متمرکز بر مسأله و شیوه‌های مقابله متمرکز بر عاطفه را مطرح کرده‌اند. شیوه مقابله متمرکز بر مسأله شامل انجام فعالیت مستقیم به منظور تغییر موقعیت فشارزا و پیشگیری یا کاستن از تأثیرات آن است. اما شیوه مقابله متمرکز بر عاطفه، کوشش‌هایی را در بر می‌گیرد که پیامدهای عاطفی و اجتماعی رویدادهای فشارزا را تعدیل کرده یا کاهش می‌دهد.

گرچه بیشتر منابع فشار نیاز به کاربرد هر دو نوع رویارویی را ایجاب می‌کند، لیکن رویارویی متمرکز بر مسأله، گرایش به تسلط بر موقعیت دارد و هنگامی به کار می‌رود که فرد احساس می‌کند کارهای بنیادی و سودمندی می‌تواند انجام دهد (کارور، carver ، Scheier ، ویترب، weinteraub ۱۹۸۹).

به‌طور کلی رفتارهای مقابله‌ای نشان‌دهنده شیوه پاسخ‌دهی فرد به شرایط محیطی به صورت فعال یا انفعالی می‌باشد (شولمن shulman ۱۹۹۰).

خانواده نخستین پایگاهی است که پیوند بین کودک و محیط اطراف او را به وجود می‌آورد (اقلیدس، ۱۳۷۶).

واژه استرس به معنای نیرو، فشار و اجبار واژه‌ای است انگلیسی و در زبان‌های مختلف با همین لفظ به کار برده می‌شود (ذوالفقاری و همکاران ۱۳۷۷).

استرس، اصطلاحی است که در طب و زیست‌شناسی به صورت‌های گوناگون به کار گرفته شده است. گاهی به معنای یک رویداد یا موقعیتی که تأثیر بر ارگانسیم دارد و گاهی به معنی تنش روان‌شناختی ناشی از این رویدادها و موقعیت‌هاست (ذوالفقاری و همکاری ۱۳۷۶). همچنین استرس می‌تواند به فشارهایی اطلاق شود که در وضعیتی فرد را از حالت آرامش خارج می‌کند و منجر به واکنش در ابعاد گوناگون رفتاری، روانی و بدنی می‌شود (رهسپار، ۱۳۷۷).

به نقل از مهرآیین (۱۳۷۳) استرس به موقعیت درونی فرد که در آن تصویری را برای وضعیت جسمی و یا آرامش روانی خود احساس کرده باشد، گفته می‌شود.

بنابراین براساس تعاریف مطرح شده می‌توان گفت فرد با ادراک از تغییر شرایط موجود که سازگاری جدیدی را طلب می‌کند، خود را دچار استرس می‌بیند.

کمپاس Compas (۱۹۸۷) در تحلیل شرایط موجود که باعث بروز استرس در افراد می‌شوند، به سه دسته از استرس‌زاهای بالقوه اشاره می‌کند که شامل:

الف- وقایع مهم زندگی (مرگ عزیزان، طلاق، بیماری شدید، بیکاری و...)

ب- شرایط مزمن (مشکلاتی است که در کوتاه‌مدت تغییر نمی‌کنند و تا مدت‌های طولانی حتی تا آخر عمر، فرد مجبور به سازگاری با آنهاست).

ج- گرفتاری‌های روزمره.

زیگلن (۱۹۹۹) با ترکیب دو بعد فرزندپروری پذیرش - پاسخدهی و مطالبه‌کنندگی - کنترل‌کنندگی چهار الگوی فرزندپروری ارائه کرده است:

۱- فرزندپروری مقتدرانه (همتای والدین گرم و کنترل‌کننده در الگوی شیفر)

۲- فرزندپروری سلطه‌طلبانه (همتای والدین سرد و کنترل‌کننده در الگوی شیفر)

۳- فرزندپروری سهل‌گیر (همتای والدین گرم و آزادگذارنده در الگوی شیفر)

۴- فرزندپروری مسامحه‌گر (همتای والدین سرد و آزادگذارنده در الگوی شیفر)

در الگوی زیگلن رشد صحیح بچه‌ها در گرو محبت، محدودیت، خواهنگی و پذیرش درست می‌باشد. اگر آنها طرد شوند و کمتر مورد کنترل و هدایت قرار گیرند، آنها کنترل بر خود را نخواهند آموخت و ممکن است خودخواه و قانون‌گریز شوند.

همچنین اگر زیاد هم مورد کنترل و هدایت قرار گیرند مانند آنچه که والدین مستبد انجام می‌دهند، به آنها فرصت کمی برای کسب اعتمادبه‌نفس داده می‌شود و آنها در تصمیم‌گیری‌ها دچار بی‌اعتمادی می‌شوند (کارول ۱۹۹۹).

علی‌رغم پیشرفت روزافزون بشر در زمینه‌های مختلف زندگی، هر روز مسائل و مشکلات جدیدی برای افراد ایجاد می‌شوند که نیازمند آمادگی افراد برای مقابله صحیح با آنها می‌باشد. در غیر این صورت بهداشت روانی آنان در معرض خطر قرار می‌گیرد.

یکی از عوامل مهم تأثیرگذار بر بهداشت روانی افراد، توانایی آنان در مقابله با عوامل استرس‌زا است. بنابراین شناخت شیوه‌های مقابله با استرس و کاربرد صحیح و به

در رابطه با فرایندهای خانواده و عوامل وابسته به آن، این امر آشکار شده است که محیط خانوادگی، هدایت‌کننده رشد رفتارهای مناسب محیطی است. در این محیط کوشش‌های ماهرانه فرد مورد تشویق قرار می‌گیرد و کودک پاسخ‌ها و بازخوردهای واقعی دریافت می‌کند. (آماتو و اوچیلتری ۱۹۸۶).

هر خانواده شیوه خاصی را برای تربیت فرزند و اجتماعی فرزندان خویش، به کار می‌گیرد. این شیوه، شیوه فرزندپروری نامیده می‌شود که متأثر از عوامل مختلفی از جمله عوامل فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و... می‌باشد (هاردی و همکاران ۱۹۹۳).

امروزه محققان در خصوص شیوه‌های فرزندپروری والدین و تأثیراتی که هر یک بر رشد کودکان دارند به بحث و بررسی پرداخته‌اند و الگوهای مختلفی ارائه داده‌اند. از جمله این الگوها، الگوی شیفر (sheifer ۱۹۶۵) و زیگلن (sigelaman ۱۹۹۹) هستند که در اینجا به آنها اشاره می‌شود.

شیفر (۱۹۶۵) براساس مشاهداتی که از تعامل کودکان ۱ تا ۳ ماهه با مادرانشان انجام داد طرح یک طبقه‌بندی براساس دو بعد از رفتار والدین یعنی گرمی در مقابل سردی (پذیرش - طرد) و بعد کنترل در مقابل آزادی (سخت‌گیری - سهل‌گیری) را ارائه نمود. (غیاثوند، ۱۳۷۲).

شیفر والدین را با ترکیب دو بعد فوق‌الذکر به چهار دسته تقسیم کرد:

- ۱- والدین گرم و آزادگذارنده
- ۲- والدین گرم و کنترل‌کننده
- ۳- والدین سرد و آزادگذارنده
- ۴- والدین سرد و کنترل‌کننده

وجود دارد یا خیر؟ به عنوان سؤالات پژوهش مطرح شده است.

جروم و همکاران (۱۹۹۴) در تحقیق خود که بر روی ۱۰۷ نوجوان ۱۵ تا ۱۷ ساله انجام دادند، دریافتند کسانی که والدین خود را منضبط، بامحبت و پذیرنده می‌دیدند بیشتر از شیوهٔ مقابله‌ای متمرکز بر مسأله استفاده می‌کردند. استرن و زفون stern & zevon (۱۹۹۰) در پژوهش خود نشان دادند نوجوانانی که در خانواده‌های دارای تنش و همبستگی پایین زندگی می‌کردند.

از شیوهٔ مقابله متمرکز بر عاطفه استفاده می‌کردند در تحقیق گنزالس. conzales بیان‌تین yunfein و سندلر sandler (۲۰۰۱) که بر روی ۴۵۵ نفر از دانش‌آموزان انجام گرفت مشخص گردید که میان استفاده از راهبردهای اجتنابی و عملکرد شناختی که با پیشرفت تحصیلی اندازه گرفته می‌شود، رابطه منفی وجود دارد. پزشکیان (۱۳۷۴) در تحقیق خود بر روی نوجوانان مشهدی نتیجه گرفت که دختران بیشتر از شیوه‌های رویارویی متمرکز بر عاطفه و پسران بیشتر از شیوه‌های مقابله‌ای متمرکز بر مسأله استفاده می‌کنند.

جامعه آماری این پژوهش، تمامی دانشجویان دختر و پسر مقطع کارشناسی دانشگاه شیراز بودند. با توجه به بالا بودن حجم جامعه آماری، تعداد ۶۷ نفر (۳۳ پسر و ۳۴ دختر) از دانشجویان دانشکده‌های مهندسی، کشاورزی، علوم پایه، ادبیات و علوم انسانی، به صورت تصادفی ساده انتخاب شده که به عنوان نمونه پژوهش در نظر گرفته شدند.

موقع آنها می‌تواند به فرد در تأمین سلامت روانی خود کمک نماید.

محیط خانواده یا به عبارت دیگر روابط والدین با فرزندان یکی از عواملی است که در کسب مهارت‌های مقابله‌ای، مؤثر می‌باشد. تحقیقات گذشته نشان داده‌اند فرزندان که محیط خانوادگی آنها گرم و صمیمی، انضباطی، تفاهمی و حمایتی بوده است توانسته‌اند تأثیر منفی استرس‌ها را بر سلامتی‌شان کنترل کنند (دابیس Dubois، ۱۹۹۲).

همچنین بعضی از محققین بر این عقیده‌اند که شیوه‌های مقابله با استرس از طریق فرایند اجتماعی شدن کسب می‌شود. آنها در این میان بر نقش شیوه‌های فرزندپروری والدین تأکید می‌کنند (جولی‌گای Julieguay ۱۹۹۵).

یکی از جنبه‌های مهم شیوه‌های مقابله با استرس در کودکان که تحقیقات کمی در مورد آن انجام شده است، نقش والدین در کسب این شیوه‌ها توسط فرزندان می‌باشد.

تحقیقات کمی رابطه بین شیوه‌های فرزندپروری و شیوه‌های مقابله با استرس فرزندان را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده‌اند (هاردی و همکاران ۱۹۹۳).

لذا لزوم انجام پژوهشی در این زمینه با توجه به مطالب ذکر شده، ضروری به نظر رسید. بر این اساس در تحقیق حاضر شیوه‌های فرزندپروری به عنوان متغیر مستقل و شیوه‌های مقابله با استرس فرزندان به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شده است. همچنین آیا شیوه‌های فرزندپروری والدین بر شیوه‌های مقابله با استرس فرزندان تأثیر دارد یا خیر و آیا بین دختران و پسران تفاوت معنی‌داری در به کارگیری شیوه‌های مقابله‌ای



رابطه شیوه‌های فرزندپروری و شیوه‌های مقابله با استرس استفاده گردید.

### نتایج

در این تحقیق به ارزیابی شیوه‌های فرزندپروری والدین و شیوه‌های مقابله با استرس فرزندان پرداخته می‌شود.

شیوه‌های فرزندپروری در اینجا به عنوان متغیر مستقل براساس دو جنبه از رفتار والدین یعنی کنترل - آزادی (سخت‌گیری در مقابل سهل‌گیری) و گرمی - سردی (پذیرش - طرد) دارای ۴ سطح می‌باشد.

شیوه‌های مقابله با استرس هم در قالب ۱۵ شیوه مقابله‌ای شامل تفسیر مجدد مثبت، عدم درگیری فکری، تمرکز بر هیجانات و برون‌ریزی آن، جستجوی حمایت اجتماعی ابرازی، مقابله فعال، انکار، پناه بردن به امور دینی، عدم درگیری رفتاری، خویش‌نشاندگی، جستجوی حمایت اجتماعی - عاطفی، مصرف مواد، پذیرش، جلوگیری از فعالیت‌های مزاحم، شوخی و برنامه‌ریزی به عنوان متغیر وابسته است. برای تجزیه و تحلیل نتایج حاصل از پرسشنامه‌ها و پاسخ به سؤال اول تحقیق مبنی بر وجود رابطه بین دو متغیر شیوه‌های فرزندپروری والدین و شیوه‌های مقابله با استرس فرزندان از روش تحلیل رگرسیون چندمتغیره به شیوه گام‌به‌گام استفاده شد.

در این تحقیق از دو مقیاس شیوه‌های فرزندپروری و شیوه‌های مقابله با استرس به عنوان ابزار سنجش استفاده شده است. مقیاس شیوه‌های فرزندپروری یک مقیاس خود گزارشی است که از آزمودنی‌ها می‌خواهد تا ابعاد کنترل و محبتی را که آنها از والدین‌شان در خانواده تجربه می‌نمایند، منعکس کنند.

این مقیاس مرکب از ۷۷ گویه است که براساس مقیاس پنج‌گزینه‌ای لیکرت از دامنه خیلی موافقم تا خیلی مخالفم تنظیم شده است.

ضریب پایایی این مقیاس در تحقیق نقاشیان (۱۳۸۵)، ۰/۸۷ و در پژوهش‌های یعقوبخانی (۱۳۷۲) و تهمتن (۱۳۷۷) به ترتیب ۰/۸۲ و ۰/۸۵ از طریق محاسبه ضریب آلفای کرونباخ گزارش شده است.

چک لیست مهارت‌های مقابله‌ای توسط کارور و همکاران (۱۹۸۹) تهیه شده و راه‌هایی را که افراد به استرس پاسخ می‌دهند را بررسی می‌کند، این چک لیست دارای ۶۰ سؤال و ۱۵ مقیاس مقابله است و براساس مقیاس ۴ درجه‌ای لیکرت (اصلاً، کمی، به طور متوسط و زیاد) تنظیم شده است.

مقیاس مذکور توسط بردبار و گودرزی در سال ۱۳۸۰ به فارسی برگردانده شده و ضریب پایایی آن ۰/۸۷ گزارش شده است. برای تکمیل پرسشنامه‌ها، ابتدا مقیاس شیوه‌های فرزندپروری که تعداد سؤالات آن بیشتر بود به آزمودنی‌ها داده شد و بعد از جمع‌آوری آن با فاصله زمانی ۵ دقیقه برای استراحت دومین مقیاس در اختیار آنها قرار می‌گرفت.

در این پژوهش از آمار توصیفی (فراوانی و میانگین) و آمار استنباطی (آزمون تی) بررسی وجود تفاوت معنادار بین دو جنس در شیوه‌های مقابله با استرس، همبستگی و تحلیل رگرسیون چند متغیره گام‌به‌گام جهت بررسی

درگیری رفتاری، خویشنداری، مصرف مواد و شوخی است (جدول شماره ۱).

نتایج تحلیل رگرسیون چندمتغیره به شیوه گام به گام نشان داد که سبک فرزندپروری آزادی توانست تا ۳۴ درصد از تغییرات شیوه مقابله‌ای خویشنداری و شیوه مقابله‌ای تمرکز بر هیجانات را با ضریب همبستگی چندگانه ۰/۵۹ به صورت مثبت پیش‌بینی و تبیین نماید.

جدول ۲- همبستگی بین شیوه‌های مقابله‌ای و سبک کنترل

سبک	شیوه مقابله‌ای	سبک	شیوه مقابله‌ای
کنترل	کنترل	کنترل	کنترل
۰/۲	خویشنداری	۰/۰۶	تفسیر مجدد مثبت
۰/۱۶	جستجوی حمایت اجتماعی	۰/۲۸	عدم درگیری فکری
۰/۶۷***	مصرف مواد	۰/۱۸	تمرکز بر هیجانات
۰/۳*	جلوگیری از فعالیت‌های مزاحم شوخی	۰/۱۱	جستجوی حمایت اجتماعی
۰/۵۳***	شوخی	۰/۰۴	مقابله فعال
۰/۰۰۹	برنامه‌ریزی	۰/۴۸**	انکار
۰/۳*	پذیرش	۰/۱۱	پناه بردن به امور دینی
-	-	۰/۴۹	عدم درگیری رفتاری

$P < 0.001$  \*\*\*  $P < 0.01$  \*\*  $P < 0.05$  \*

جدول ۱- همبستگی بین شیوه‌های مقابله‌ای و سبک آزادی

سبک	شیوه مقابله‌ای	سبک	شیوه مقابله‌ای
آزادی	آزادی	آزادی	آزادی
۰/۵۲***	خویشنداری	۰/۰۹	تفسیر مجدد مثبت
۰/۰۸	جستجوی حمایت اجتماعی عاطفی	۰/۲۷**	عدم درگیری فکری
۰/۲۶*	مصرف مواد	۰/۴۹***	تمرکز بر هیجانات
۰/۱۷	پذیرش	۰/۱۶	جستجوی حمایت اجتماعی
۰/۱۸	جلوگیری از فعالیت‌های مزاحم شوخی	۰/۰۸	مقابله فعال
۰/۳۴*	شوخی	۰/۳۶**	انکار
۰/۰۱	برنامه‌ریزی	۰/۲۹*	پناه بردن به امور دینی
-	-	۰/۳۵*	عدم درگیری رفتاری

$P < 0.001$  \*\*\*  $P < 0.01$  \*\*  $P < 0.05$  \*

ابتدا ضرایب همبستگی بین شیوه‌های مقابله‌ای با استرس فرزندان و سبک فرزندپروری آزادی والدین محاسبه گردید. نتایج گویای وجود رابطه مثبت و معنی‌دار بین میزان آزادی و شیوه‌های مقابله‌ای عدم درگیری فکری، تمرکز بر هیجانات، انکار، پناه بردن به امور دینی، عدم

محاسبه ضرایب همبستگی حاکی از این است که بین سبک فرزندپروری گرمی و شیوه مقابله‌ای برنامه‌ریزی رابطه مثبت و معنی‌دار وجود دارد. اما بین این شیوه فرزندپروری و شیوه‌های مقابله‌ای عدم درگیری فکری، انکار، عدم درگیری رفتاری، مصرف مواد و شوخی رابطه معنی‌دار منفی وجود دارد.

نتایج تحلیل رگرسیون چندمتغیره به شیوه گام‌به‌گام نشان داد که شیوه فرزندپروری گرمی توانست تا ۶۹ درصد از تغییرات شیوه مقابله‌ای مصرف مواد را با ضریب همبستگی چندگانه ۰/۸۳ به صورت منفی تبیین و پیش‌بینی نماید.

جدول ۴- همبستگی بین سبک فرزندپروری سردی و شیوه‌های مقابله‌ای

سبک سردی	شیوه مقابله‌ای	سبک سردی	شیوه مقابله‌ای
سبک سردی	سبک سردی	سبک سردی	شیوه مقابله‌ای
۰/۱۶-	خویش‌داری	۰/۳۰*	تفسیر مجدد مثبت عدم درگیری فکری
۰/۱۹-	جستجوی حمایت اجتماعی عاطفی	۰/۳۰*	عدم درگیری فکری
۰/۰۹	مصرف مواد	۰/۳۶**	تمرکز بر هیجانات
۰/۲۹*	پذیرش	۰/۲۵-	جستجوی حمایت اجتماعی ابزاری
۰/۱۰-	جلوگیری از فعالیت‌های مزاحم شوخی	۰/۰۱-	مقابله فعال انکار
۰/۱۱	برنامه‌ریزی	۰/۱۲-	پناه بردن به امور دینی عدم درگیری رفتاری
-	-	۰/۰۷-	-
$P < ۰/۰۰۱$ ***		$P < ۰/۰۱$ **	

محاسبه ضرایب همبستگی بین شیوه‌های مقابله‌ای و سبک فرزندپروری کنترل نشان داد که رابطه معنادار ولی منفی بین سبک فرزندپروری کنترل و شیوه‌های مقابله‌ای انکار، عدم درگیری رفتاری، مصرف مواد، جلوگیری از فعالیت‌های مزاحم، شوخی و پذیرش وجود دارد.

نتایج تحلیل رگرسیون چندمتغیره به شیوه گام‌به‌گام مشخص کرد که سبک فرزندپروری کنترل توانست تا ۴۶ درصد تغییرات شیوه‌های مقابله‌ای مصرف مواد را با ضریب همبستگی چندگانه ۰/۶۷ به صورت منفی تبیین و پیش‌بینی نماید.

جدول ۳- همبستگی بین شیوه‌های مقابله‌ای و سبک گرمی

سبک گرمی	شیوه مقابله‌ای	سبک گرمی	شیوه مقابله‌ای
سبک گرمی	شیوه مقابله‌ای	سبک گرمی	شیوه مقابله‌ای
۰/۲۴	عدم درگیری رفتاری	۰/۲۴	تفسیر مجدد مثبت عدم درگیری فکری
۰/۳۵*	خویش‌داری	۰/۳۵*	عدم درگیری فکری
۰/۱۸-	جستجوی حمایت اجتماعی عاطفی	۰/۱۸-	تمرکز بر هیجانات
۰/۰۸	مصرف مواد	۰/۰۸	جستجوی حمایت اجتماعی ابزاری
۰/۲	جلوگیری از فعالیت‌های مزاحم شوخی	۰/۲	مقابله فعال
۰/۶۸***	شوخی	۰/۶۸***	انکار
۰/۳۱*	برنامه‌ریزی	۰/۳۱*	پناه بردن به امور دینی پذیرش
-	-	۰/۳۱**	-
$P < ۰/۰۰۱$ ***		$P < ۰/۰۱$ **	



بحث و نتیجه‌گیری

هدف از پژوهش حاضر بررسی رابطه شیوه‌های فرزندپروری والدین با شیوه‌های مقابله با استرس فرزندان بوده که بر روی دانشجویان دختر و پسر مقطع کارشناسی دانشگاه شیراز اجرا گردیده است.

داده‌های پژوهش با استفاده از روش‌های آماری همبستگی، تحلیل رگرسیون چندمتغیره به شیوه گام‌به‌گام و آزمون t برای گروه‌های مستقل، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

سؤال تحقیقی اول: آیا بین شیوه‌های فرزندپروری والدین و شیوه‌های مقابله با استرس فرزندان رابطه معنی‌دار وجود دارد؟

در زمینه ارتباط بین سبک‌های فرزندپروری والدین و شیوه‌های مقابله با استرس فرزندان، نتایج نشان داد که سبک فرزندپروری آزادی رابطه معناداری با شیوه‌های مقابله‌ای عدم درگیری فکری، عدم درگیری رفتاری، انکار، مصرف مواد، شوخی، تمرکز بر هیجانات، مقابله مذهبی، خویشتنداری و برنامه‌ریزی دارد.

این یافته به این معنی است که هر چه والدین از سبک آزادی بیشتری استفاده کنند یعنی سطح حمایت عاطفی بالاتری به کار ببرند، قوانین نسبتاً کمی برای کودکان به منظور رفتار بالغانه وضع خواهند کرد. به عبارتی هر چه والدین آزادتر باشند، راهبرد استفاده از شیوه‌های مقابله غیرمقید (عدم درگیری رفتاری، عدم درگیری فکری، مصرف مواد، تمرکز بر هیجانات و برون‌ریزی آنها) فرزندان را افزایش می‌دهند. در این سبک بعد بالای آزادی با توجه به میزان کنترل می‌تواند دو نوع فرزندپروری را ایجاد کند، سبک والدینی سهل‌گیر و سبک والدینی غفلت‌آمیز که این یافته‌ها با نتایج حاصل

نتایج جدول حاکی از این است که بین سبک فرزندپروری سردی و شیوه‌های مقابله‌ای تفسیر مجدد مثبت، عدم درگیری فکری، تمرکز بر هیجانات و پذیرش رابطه معنی‌دار منفی وجود دارد.

نتایج تحلیل رگرسیون چندمتغیره به شیوه گام‌به‌گام نشان داد که شیوه فرزندپروری سردی توانست تا ۱۳ درصد تغییرات شیوه مقابله‌ای تمرکز بر هیجانات را با ضریب همبستگی چندگانه ۰/۳۶ به صورت منفی پیش‌بینی و تبیین نماید.

برای مقایسه دو جنس از نظر شیوه‌های مقابله با استرس نیز از روش t گروه‌های مستقل استفاده شد که نتایج مربوط به تفاوت‌های معنی‌دار در جدول شماره ۵ ارائه شده است. این جدول نشان می‌دهد که پسران به صورت معنی‌دار از روش‌های عدم درگیری فکری، انکار، شوخی، عدم درگیری رفتاری، مصرف مواد و پذیرش بیش از دختران استفاده می‌کنند.

جدول ۵- مقایسه شیوه‌های مقابله‌ای بین دو جنس

متغیر	جنسیت	میانگین	انحراف معیار	t	df	p																																														
عدم درگیری فکری	دختر	۹/۹۳	۱/۸۱	۲/۱۷	۶۴	۰/۰۵																																														
	پسر	۱۰/۹۰	۱/۸۰				انکار	دختر	۷/۲۲	۲/۰۷	۹/۱۷	۶۱	۰/۰۰۱	پسر	۱۰/۹۶	۲/۶۸	شوخی	دختر	۶/۸۷	۲/۵	۵/۶۲	۶۴	۰/۰۰۲	پسر	۱۰/۶۶	۲/۹۴	عدم درگیری رفتاری	دختر	۶/۸۷	۲/۵	۵/۸۸	۶۱	۰/۰۰۱	پسر	۱۰/۴۲	۲/۹۶	مصرف مواد	دختر	۴/۹۰	۱/۸۹	۷/۵۷	۶۳	۰/۰۰۱	پسر	۱۰/۹۰	۳/۴۳	پذیرش	دختر	۹/۵۶	۲/۱۳	۲/۸۵	۶۱
انکار	دختر	۷/۲۲	۲/۰۷	۹/۱۷	۶۱	۰/۰۰۱																																														
	پسر	۱۰/۹۶	۲/۶۸				شوخی	دختر	۶/۸۷	۲/۵	۵/۶۲	۶۴	۰/۰۰۲	پسر	۱۰/۶۶	۲/۹۴	عدم درگیری رفتاری	دختر	۶/۸۷	۲/۵	۵/۸۸	۶۱	۰/۰۰۱	پسر	۱۰/۴۲	۲/۹۶	مصرف مواد	دختر	۴/۹۰	۱/۸۹	۷/۵۷	۶۳	۰/۰۰۱	پسر	۱۰/۹۰	۳/۴۳	پذیرش	دختر	۹/۵۶	۲/۱۳	۲/۸۵	۶۱	۰/۰۱	پسر	۱۱/۰۶	۲/۰۳						
شوخی	دختر	۶/۸۷	۲/۵	۵/۶۲	۶۴	۰/۰۰۲																																														
	پسر	۱۰/۶۶	۲/۹۴				عدم درگیری رفتاری	دختر	۶/۸۷	۲/۵	۵/۸۸	۶۱	۰/۰۰۱	پسر	۱۰/۴۲	۲/۹۶	مصرف مواد	دختر	۴/۹۰	۱/۸۹	۷/۵۷	۶۳	۰/۰۰۱	پسر	۱۰/۹۰	۳/۴۳	پذیرش	دختر	۹/۵۶	۲/۱۳	۲/۸۵	۶۱	۰/۰۱	پسر	۱۱/۰۶	۲/۰۳																
عدم درگیری رفتاری	دختر	۶/۸۷	۲/۵	۵/۸۸	۶۱	۰/۰۰۱																																														
	پسر	۱۰/۴۲	۲/۹۶				مصرف مواد	دختر	۴/۹۰	۱/۸۹	۷/۵۷	۶۳	۰/۰۰۱	پسر	۱۰/۹۰	۳/۴۳	پذیرش	دختر	۹/۵۶	۲/۱۳	۲/۸۵	۶۱	۰/۰۱	پسر	۱۱/۰۶	۲/۰۳																										
مصرف مواد	دختر	۴/۹۰	۱/۸۹	۷/۵۷	۶۳	۰/۰۰۱																																														
	پسر	۱۰/۹۰	۳/۴۳				پذیرش	دختر	۹/۵۶	۲/۱۳	۲/۸۵	۶۱	۰/۰۱	پسر	۱۱/۰۶	۲/۰۳																																				
پذیرش	دختر	۹/۵۶	۲/۱۳	۲/۸۵	۶۱	۰/۰۱																																														
	پسر	۱۱/۰۶	۲/۰۳																																																	

می‌دهند و استفاده از راهبردهای متمرکز بر مسأله را افزایش می‌دهند.

نتایج تحلیل رگرسیون نیز نشان داد که سبک گرمی تنها توانست از بین شیوه‌های مقابله‌ای، شیوه مقابله‌ای مصرف مواد را به صورت منفی پیش‌بینی نماید. این یافته‌ها با نتایج حاصل از پژوهش شل و همکاران (۱۹۹۱)، جرروم و همکاران (۱۹۹۴) و اشترن و زفون (۱۹۹۰) همسویی دارد.

در زمینه سبک فرزندپروری سردی، نتایج حاکی از آن بود که سردی (طرد) رابطه‌ای معنادار و منفی با عدم درگیری فکری، تمرکز بر هیجانات، پذیرش و تفسیر مجدد مثبت دارد.

یعنی هر چه والدین طردکننده‌تر باشند، استفاده از راهبردهای غیرمفید و متمرکز بر عواطف را کاهش می‌دهند. نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که از بین شیوه‌های مقابله‌ای، سبک فرزندپروری سردی تنها توانست، شیوه تمرکز بر هیجانات را به صورت مثبت پیش‌بینی نماید. این یافته‌ها با نتایج حاصل از تحقیقات شل و همکاران (۱۹۹۱)، جرروم و همکاران (۱۹۹۴) و اشترن و زفون (۱۹۹۰) همسویی ندارد.

شاید علت ناهم‌سویی‌ها را بتوان به خاطر وجود جو فرهنگی متفاوت و ناکافی بودن نمونه بیان کرد.

سؤال تحقیقی دوم: آیا بین دختران و پسران در به کارگیری شیوه‌های مقابله‌ای تفاوت معناداری وجود دارد؟

سایر نتایج حاصل از تحقیق نشان داد که در شیوه‌های مقابله‌ای متمرکز بر مسأله تفاوت معناداری بین دختران و پسران وجود نداشت ولی در شش شیوه مقابله‌ای عدم درگیری فکری، انکار، شوخی، عدم درگیری رفتاری، مصرف مواد و پذیرش تفاوت‌ها معنادار بود که در تمام

از پژوهش جرروم و همکاران (۱۹۹۴) و اشترن و زفون (۱۹۹۰) همسویی دارد.

نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که سبک فرزندپروری آزادی تنها توانست از بین شیوه‌های مقابله‌ای، شیوه‌های خوب‌شدن‌داری و تمرکز بر هیجانات را به صورت مثبت پیش‌بینی نماید.

یک نتیجه دیگر نشان داد که سبک فرزندپروری کنترل (سختگیری) رابطه‌ای معنی‌دار با شیوه‌های مقابله‌ای انکار، عدم درگیری رفتاری، مصرف مواد، شوخی، جلوگیری از فعالیت‌های مزاحم و پذیرش دارد. این رابطه در تمام سبک‌ها به صورت منفی بود.

این یافته به این معنی است که هر چه والدین از کنترل و اعمال مقررات و محدودیت‌های بیشتری استفاده کنند، فرزندان از شیوه‌های مقابله‌ای انکار، عدم درگیری رفتاری، مصرف مواد، شوخی، جلوگیری از فعالیت‌های مزاحم و پذیرش کمتر استفاده می‌کنند. نتایج تحلیل رگرسیون نیز نشان داد که از بین شیوه‌های مقابله‌ای، سبک فرزندپروری کنترل تنها توانست شیوه مقابله‌ای مصرف مواد را به صورت منفی پیش‌بینی نماید. یعنی هر چه والدین کنترل بیشتری بر فرزندان اعمال کنند، استفاده از راهبردهای مقابله‌ای غیرمفید را کاهش می‌دهند که این یافته در نتایج حاصل از پژوهش‌های دیگر گزارش نشده است.

در زمینه سبک فرزندپروری گرمی، نتایج نشان داد که گرمی (پذیرش) رابطه‌ای معنی‌دار با شیوه‌های مقابله‌ای عدم درگیری رفتاری، انکار، مصرف مواد، عدم درگیری فکری، شوخی و پذیرش به صورت منفی و با سبک‌های پناه بردن به امور دینی و برنامه‌ریزی مثبت دارد. یعنی هر چه والدین پذیرنده‌تر باشند، راهبردهای استفاده از شیوه‌های مقابله‌ای غیرمفید و متمرکز بر عاطفه را کاهش

ایرانی. فصل نامه اندیشه و رفتار مجله روان پزشکی و روان شناسی بالینی، سال سوم، شماره ۳.

- رهسپار، کامبیز (۱۳۷۷). مقایسه استرس و شیوه های مقابله با استرس مادران کودکان عقب مانده ذهنی خفیف و مادران کودکان بهنجار سنین ابتدایی. پایان نامه کارشناسی ارشد (چاپ نشده)، دانشگاه شیراز، بخش روان شناسی تربیتی.

- مهر آئین، بابک (۱۳۷۳). "غلبه بر استرس". نوشته: چین کران ول وارد.

- نصر اصفهانی، مهدی و باقری، عباس (۱۳۷۶). بررسی فشارهای روانی محیط کار صنعتی، خصلنامه اندیشه و رفتار، مجله روان پزشکی و روان شناسی بالینی، سال سوم، شماره ۳.

- نوری قاسم آبادی (۱۳۷۶). "شیوه های مؤثر مقابله با استرس" نشریه صبح امروز، مورخ ۲۵ / ۹ / ۷۶.

- یعقوب خانی غیاثوندی، مرضیه (۱۳۷۲). رابطه محیط خانواده و پیشرفت تحصیلی، پایان نامه کارشناسی ارشد (چاپ نشده)، دانشگاه شیراز، بخش روان شناسی بالینی.

Carver, c. s & scheirer, M.f., weinteraub, j. • k.(1989). Assessing copying strategies: A theoretically based approach. Journal of Personality and social psychology, vol.56, 267-285.

Compas, B.E. (1987).Coping with stress • during child hood and Adolescence, psychological bulletin, vol.101, 393- 403.

Freydenberg, E., lewiss, R. (1997).coping • with stresses and concerns during adolescence: Along autodial study (clearing house - no.cgo2784, Eric - no Ed 407647).

Glassgow,K., Danbusch ,M., Treyer • steinberg. L & Ritters, p. (1997). Parenting styles, Adolescents attributions, and educational outcomes in nine Heterogeneous high schools, child development. vol. 68, no 3, 507-529.

Gonzales, N.A, Yuntein, J., sandler, I.V, • Friedman, R. J. (6001) on the limits of coping:

این شیوه‌ها، پسران نمرات بالاتری نسبت به دختران داشتند.

به عبارتی دیگر پسران بیشتر از دختران از راهبردهای مقابله‌ای غیرمفید و راهبردهای مقابله‌ای متمرکز بر عواطف استفاده می‌کنند. این یافته‌ها در هیچ یک از تحقیقات پیشین گزارش نشده است. البته عدم وجود تفاوت معنی‌دار در بین دختران و پسران با یافته تحقیق مکانیل گریخت و همکاران (۲۰۰۰) همسو است.

آنها گزارش کردند که بین دختران و پسران، در نوع شیوه‌های به کار گرفته شده، تفاوت معنی‌داری وجود ندارد ولی به طور کلی دختران بیشتر از پسران از انواع شیوه‌های مقابله‌ای استفاده می‌کردند. همچنین این یافته با نتایج تحقیق فریدنبرگ ولویس (۱۹۹۳) مشابه می‌باشد. آنها در تحقیق خود گزارش کردند که بین دختران و پسران در استفاده از شیوه متمرکز بر مسأله تفاوت معنی‌داری وجود ندارد.

#### منابع

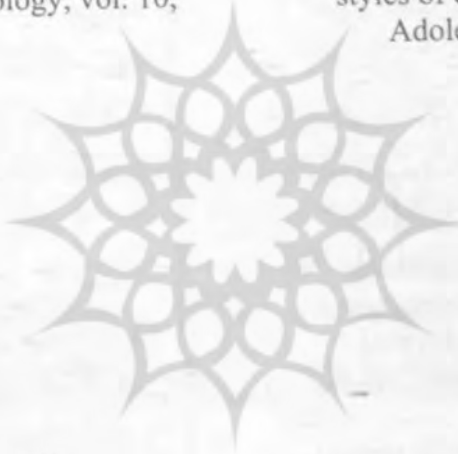
- تهمتن، کلثوم (۱۳۷۷). رابطه شیوه های فرزند پروری والدین و انگیزش پیشرفت دانش آموزان، پایان نامه کارشناسی ارشد روان شناسی تربیتی (چاپ نشده)، دانشگاه شیراز، دانشکده علوم تربیتی.

- دهقانی، عبدالله (۱۳۷۹). مقایسه بین شیوه های فرزند پروری و خود تنظیمی تحصیلی و تأثیر آن بر موفقیت تحصیلی در دروسهای فارسی و ریاضی دانش آموزان دختر و پسر دوره متوسطه، پایان نامه کارشناسی ارشد (چاپ نشده)، دانشگاه شیراز، بخش روان شناسی تربیتی.

- ذوالفقاری، قضیله، محمد خانی، پروانه و عباس پور، شهناز (۱۳۷۶). بررسی راه های مقابله کارآمدی شخصی تصویری و نگرش به رویدادهای زندگی در دو گروه نوروبیگ و بهنجار

- Kobassa, s. c., Maddigs. R., kohn, s. (1982). •  
Hardiness And Health: A prospective study.  
Journal of personality and social psychology,  
Vol. 42, P. 168 - 177.
- Lamborn, s. d., Mounts, n. s., sterinberg, L., •  
Dornbus ch, S. M. ( 1991 ). Patterns of  
competence And Adjustment among  
adolescents from Authoritative, Authoritarian,  
Indulgent, and Neglectful families, child  
Development. vol. 62, pp 1049 - 1065.
- Schulman, s., krenke, L., samet, N. (1987). •  
Adolescent coping styles as a function of  
perceived family climate. Journal of  
adolescent's research, vol. 2, 379-381.
- Walker, L., greene, j. (1987). Negative life •  
events psychosocial resources in adolescents.  
Journal of clinical child psychology, vol. 10,

- Interaction between stress and coping for inner  
city adolescents, Journal of adolescent  
research, vol. 16, no .4
- Griffith, M. A., Dubow, E. F. (1993). •  
Adolescent coping with Family, school and  
peer stressor, paper presented At the Annual  
Meeting of American psychological  
Association [101 s. Toronto, Ontario, Canada,  
August, 20 - 24] Eric NO [Ed374367].
- Jerom, B. D., Maribth Danko (1994). •  
Adolescent coping  
styles And perceptions of parental child  
Rearing. Journal of Adolescent Research, vol.  
9, No. 4, 4 12 - 426.
- Julie Guay, M. c., Jrome. B. D. (1995). •  
percieved parental Rearing practices And  
styles of coping, Journal of youth AND  
Adolescent, Vol. 24, 499 - 509.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی